

تحولات استراتژیک فرهنگ و مدیریت در فرایند جهانی شدن

دکتر محمدصادق ضیایی¹

محمد مهدی اسماعیلی²

فرزاد زیویار³

فرهاد زیویار⁴

چکیده

جهانی شدن⁵ و جهانی سازی⁶ و تحولات استراتژیک در مدیریت فرهنگی از مفاهیم چند بعدی و پیچیده‌ای است که درباره آن بحث‌های گوناگونی صورت گرفته و دیدگاهها و نظریه‌هایی نیز در این زمینه ارائه شده است.

در این مقاله سعی شده است که جهانی شدن و جهانی سازی در حوزه مدیریت و فرهنگ تعریف و از دیدگاههای مختلف بیان شود که مهمترین آن تحولات در قرن بیستم و بالاخص در دهه 1970 میلادی است که وارد مرحله جدیدی شد و در اواسط دهه 1980 تقریباً در تمامی زمینه‌ها نشانه‌های خود را بر جای گذاشت و حتی نظامهای مدیریت را نیز متأثر ساخت که مدیریت فراصنعتی و فرامدرن یا (پست مدرن) مطرح شد و اوج آن در دهه 1990 میلادی بود که مفهوم

1. استادیار دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

2. دانشجوی دکترای علوم سیاسی

3. کارشناس ارشد مدیریت

4. دانشجوی دکتری علوم سیاسی

5 . Globalization

6 . Globalism

جهانی شدن رایج گردید. لذا در این مقاله با توجه به مبانی و تحولات مدیریتی و فرهنگی و تحلیلهای به عمل آمده و شناخت تأثیرات متقابل مقوله جهانی شدن بر تحولات فرهنگی و مدیریتی راهکارهایی پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی

جهانی شدن، جهانی سازی، فرهنگ، مدیریت، تحولات استراتژیک

مقدمه

با توجه به تعامل فرهنگی در دنیای امروز، بحث جهانی شدن و جهانی سازی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد و آگاهی از دیدگاهها و نحوه اداره جهان توسط صاحبان تکنولوژی و قدرت زمینه‌ساز حرکت جوامع مختلف در پذیرش یا عدم پذیرش جهانی شدن و جهانی سازی می‌باشد. گسترش دامنه آگاهی ملل از مسائل، بسیار مهم و ارزشمند است که صاحبان تفکرات و دیدگاههای نوین بر آن تأکید داشته و آنرا عامل بروز و گسترش و یا عدم پذیرش ملل در ابعاد مختلف بدانند، بی‌تردید شفاف‌سازی و آگاهی اقشار در تمامی ابعاد اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و تأثیر آنها بر استقلال و یا مستعمره بودن ملل و جوامع قابل توجه و اعتنا می‌باشد که البته این منظرگاه از نشانگرهای مدیریت جهان در عصر تطورات و تحولات جهانی شدن به شمار می‌رود (Okland, 1995, p.95). لذا انتقال این درک عمومی به آحاد مختلف جوامع که از طرق گوناگون با توجه به فناوری جدید امروز نسبت به دریافت اطلاعات، توانا هستند، می‌تواند نقش بسزایی در حرکت و جهت‌گیری اصولی آنها ایفا نماید و امر جهانی شدن و جهانی سازی و ابعاد مختلف آن با توجه به دامنه فراگیر آن باید کاملاً روشن و واضح به منظور اتخاذ راهکارهای اصولی و نهادینه سازی آن در بین اقشار مختلف مردم توسط هادیان جامعه صورت پذیرد. همانگونه که در یک مطالعه بین‌المللی مدیریت "ارلی" و "سینگ" نیاز به دستیابی ملتها را به درک عمیق‌تر مفاهیم جهانی شدن و ساختارهای مدیریت جدید جهان را امری حیاتی می‌دانند که واگذاری آنرا به فردا را دیر ارزیابی می‌کنند (Mead, 1995, p. 53).

پیشینه بحث

جهانی شدن واژه‌ای است که از طریق آن سعی می‌شود تغییرات گسترده و وسیع جهان امروز شناخته شده و توضیح داده شود. این اصطلاح به عنوان مفهوم برجسته و غالب دهه 1990، ایده کلیدی بود که جامعه انسانی را به هزاره سوم منتقل کرد. استفاده از واژه «جهانی شدن» بیش از چهارصد سال عمر دارد ولی استفاده عمومی از واژه‌های نظیر جهانی شدن و جهانی کردن از دهه 1960 شروع شده است. در سال 1961، وبستر، اولین لغتنامه مهمی بود که تعریف جهانی شدن را ارائه داد و در سال 1962 مجله اسپکتیور¹، اعلام کرد که جهانی شدن در واقع یک پدیده جدید² و در حال تغییر سریع³ می‌باشد. (بهکیش، 1380، ص 17) رابرتسون⁴ معتقد است «کاربرد آکادمیک این مفهوم تا اواسط دهه 1980 شناخته نشده بود ولی از آن زمان به بعد، بکارگیری آن، جهانی شده است.» (رابرتسون، 1380، ص 156)

در سال 1989 میلادی کریستوفر⁵ و سامانترا⁶ ذیل عنوان روندهای کلان مدیریتی در عصر جهانی شدن به توصیف و تشریح روندهایی پرداختند که در طی دهه بعدی دنیای پست مدرن به ظهور می‌رسیدند این روندهای عمده عبارت بودند از گذر از:

جامعه صنعتی⁷ ← جامعه اطلاعاتی⁸

تکنولوژی پرمصلابت ← تکنولوژی بسیار ظریف و برتر

اقتصاد ملی⁹ ← اقتصاد جهانی¹⁰

برنامه‌های کوتاه مدت ← برنامه‌های بلند مدت

-
- 1 . Spectiver
 - 2 . Pheno menon
 - 3 . Speed change
 - 4 . Robertson
 - 5 . Christopher
 - 6 . Sumantra
 - 7 . Industrial
 - 8 . Information society
 - 9 . National Economy
 - 10 . Global economy

مدیریت متمرکز¹ ← به مدیریت تمرکز زدا
 مدیریت یاریگر جو ← به مدیریت خودیار
 دموکراسی مبتنی بر اصل نمایندگی ← به دموکراسی بر اصل مشارکت²

سلسله مراتب مدیریتی ← به شبکه رسانی³
 شمال ← به جنوب
 یا این / یا آن ← به گزینه‌های چندگانه⁴

(Christopher & sumantra 1989, p. 18)

لذا جهانی شدن که مهمترین محور آن افزایش رقابت⁵ در سطح جهانی است چون اغلب پدیده‌های جدید، ابتدا در دنیای صنعتی گسترش پیدا کرد. در ادامه، رشد تکنولوژی به دلیل گسترش رقابت سرعت بیشتری گرفت و از انحصار کشورهای پیشرفته خارج و یا توسط خود آنان به کشورهای دیگر منتقل شده است. هر چند ابداع و اختراع هنوز در کشورهای مادر متمرکز است ولی امکان بهره‌گیری کشورهای دیگر نیز از پدیده تکنولوژی فراهم گردیده است. و سپس حوزه‌های مدیریتی و فرهنگی را درگیر ساخت و به زعم واترز ابعاد جهانی شدن خصوصاً در مقوله‌هایی مانند مدیریت تا نیمه هزاره سوم همچنان پرتنش و در ابعاد فرهنگی توأم با تعارضات فراوان خواهد بود. (Waters, 1995, p.14)

اینک جهانی شدن در ادامه مسیر به پدیده‌ای همه‌گیر و مؤثر در حوزه‌های مختلف زندگی تبدیل شده است پدیده‌ای چند بعدی که شناخت آن نیاز به تدبیر دقیق و روشنگرانه دارد. همین دلیل، در ارایه تعریف⁶ از این مفهوم⁷، با توجه به گستره وسیع امروزی آن نیز، تلقی‌های مختلفی وجود دارد که در یک نگاه کلی، می‌توان آنها را به دو دسته اقتصادی و غیراقتصادی تقسیم کرد.

- 1 . Focused Management
- 2 . Participation
- 3 . Networking
- 4 , Multiple potions
- 5 . Competition
- 6 . Definition
- 7 . Concept

جهانی شدن و مقوله‌های اقتصادی مدیریت

جهانی شدن از آن حیث که در سالهای گذشته، اغلب به عنوان اصطلاحی اقتصادی¹ شناخته می‌شد، تعاریف ارائه شده نیز مبتنی بر این بینش بود که در ادامه به بعضی از آنها اشاره می‌نماییم:

پرفسور کول با بهره‌گیری از تعریف سازمان همکاری و توسعه اقتصادی² (OECD) «جهانی شدن را الگوی تکامل یافته‌ای از فعالیتهای فرامرزی بنگاه‌ها و شرکت‌ها تعریف می‌کند که شامل سرمایه‌گذاری بین‌المللی، تجارت و همکاری برای ابداع و نوآوری و توسعه فرآورده‌های تازه و نو، تولید منبع شناسی و بازاریابی است»³. (سیف، 1380، ص 41).

سیموز در تعریفی مبتنی بر همین بینش، خصلت‌های جهانی شدن را در موارد زیر می‌داند:

- مرزهای ملی⁴ برای جداسازی بازارها اهمیت خود را از دست می‌دهند.
- فعالیتهای تولیدی فرامرزی تخصصی می‌شوند و بنابراین سبب شکل‌گیری شبکه‌های تولیدی چند ملیتی می‌گردند که از نتایج آن گسترش جهانی مدیریت سرمایه‌داری است (Mogdoff, 1992, p. 5).
- قدرت‌های چندپایه تکنولوژیک شکل می‌گیرند که در نهایت به همکاری‌های بیشتر بین بنگاه‌های بین‌المللی منتهی می‌شود.
- شبکه‌های اطلاعاتی⁵ همه جهان را به یکدیگر مرتبط و وابسته می‌کند.
- همبستگی بالاتری در مراکز مالی دنیا به وجود می‌آید. (پالتر، 1380، ص 156) که گاهی منجر به این مسئله می‌شود که مردم جهان آنقدر غرق در مسائل شخصی و مدیریت زندگی خود می‌شوند که کمتر می‌توانند به مسایل در سطح جهانی

1 .Economical

2 . Organization Economic cooperation Development

3 . Marketing

4 . National boundary

5 . Information network

پیردازند (Anderzefewki J, and Alesso, 2002, p. 363).

صندوق بین‌المللی پول (IME) جهانی شدن را ادغام وسیع‌تر و عمیق‌تر تعریف می‌کند. به عبارت دیگر جهانی شدن را «رشد¹ وابستگی متقابل کشورها در سراسر جهان از طریق افزایش حجم و تنوع مبادلات کالا و خدمات و جریان سرمایه در ماورای مرزها و همچنین از طریق پخش گسترده‌تر و وسیع‌تر تکنولوژی می‌داند». (Clack, 1994, p. 119).

آنکتاد نیز با تأکید بر نقش سازمان‌های بین‌المللی، آن را چنین تعریف می‌کند: «جهانی شدن افزایش جریان جابه‌جایی منابع و تولیدات میان کشورها با حضور تشکیلات سازمان یافته‌ای برای اداره فعالیت‌های اقتصاد بین‌المللی است.» (پراکاش، 2000، ص 5).

در دسته دوم نظریه‌ها، علاوه بر شاخص‌های اقتصادی، به وجود مؤلفه‌های دیگری نیز در این فرایند تأکید و ابرام دارند. اینان، جهانی شدن را پروسه‌ای چند بعدی می‌دانند که اغلب تداوم جریان طبیعی تکامل جوامع انسانی می‌دانند. دیدگاه اول را می‌توان به «جهانی‌سازی²» و دیدگاه دوم را به «جهانی شدن³» تعبیر کرد.

در این مقاله تلاش خواهد شد تا این مفهوم فراگیر، از نگاه دو تعبیر فوق، مورد مطالعه و مذاقه جدی قرار گیرد تا تفاوت‌ها و اختلافات آنها، با تأکید بر حوزه فرهنگ و مدیریت، روشن شود.

تمایز بین جهانی شدن و جهانی‌سازی و جایگاه مدیریت

شاید تا مدتی قبل، صاحب‌نظران تفاوتی میان دو مفهوم جهانی شدن و جهانی‌سازی قایل نبودند و از این دو معنای واحدی را ارائه می‌کردند. این در حالی است که جهانی شدن مفهومی است که بالضروره نمی‌تواند دارای فاعل و عامل باشد، در حالی که جهانی‌سازی مفهومی است که لزوماً فاعل و عامل می‌طلبد. با این اوصاف، جهانی شدن فرایندی است گریزناپذیر که شکل تکامل یافته پیشرفته‌های بشری در حوزه‌های سیاسی،

1 . Growth

2 . Globalism

3 . Globalization

اقتصادی و فرهنگی است و جهانی‌سازی پروژه‌ای است که مشخصاً در راستای تأمین منافع و مسلط کردن ارزش‌های مورد نظر قدرت برتر در عرصه جهانی بر سایر دولتها و ملتها است.

امروزه، عده‌ای از بزرگان حوزه علوم سیاسی و روابط بین‌الملل بر این تفاوت تأکید دارند. جیمز روزنا بر این باور است که جهانی شدن به عنوان یک فرایند زمینه‌ساز، شکل متفاوتی از یکپارچگی جهانی است (روزنا، 1378، ص 10) محمد عابد الجابری مدعی است که «جهانی شدن به استقبال یک جهان رفتن، آشنا شدن با فرهنگ‌های دیگر و احترام گذاشتن به آراء و نظریات دیگران است اما جهانی‌سازی نفی دیگران و نفوذ در فرهنگ‌های دیگر و محل برخورد ایدئولوژی‌هاست». همچنین گروهی از اندیشمندان داخلی نیز برای مسئله تأکید دارند که فرایند جهانی شدن یک واقعیت است و پروژه جهانی‌سازی حاکی از ایدئولوژی و راهبرد برخورد با فرایند جهانی شدن است. (سیف زاده، 1379، ص 248).

در این جا ممکن است این سؤال مطرح شود که آیا تفاوت بین جهانی شدن و جهانی‌سازی تنها یک امر انتزاعی و ذهنی است؟ و یا واقعیت بیرونی و عینی نیز دارد؟ و به تعبیر رسا و گویا، آیا آنچه در صحنه جهانی در حال وقوع است امری واحد است و تنها، تلقی و برداشت از آن متفاوت است؟

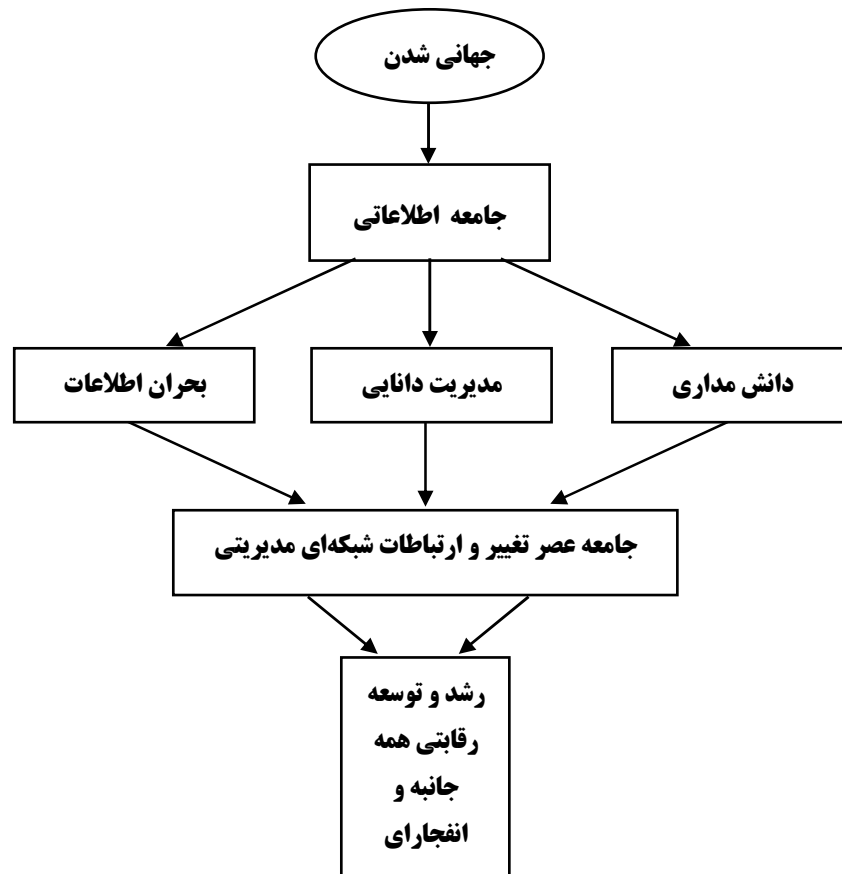
مرور ادبیات این موضوع نشان‌دهنده این واقعیت است که بعد از پایان جنگ سرد و ورود تدریجی اصطلاح جهانی شدن به ادبیات سیاسی، اقتصادی و مدیریتی اراده‌ای وجود دارد که سعی در اداره و کنترل تحولات جهانی دارد.

با پایان جنگ خلیج فارس و برتری امریکا و متحدین غربی، این ارائه اولین بار در قالب نظم نوین جهانی ظهور و بروز پیدا کرد. نظم نوینی که عبارت است از "صلح و دموکراسی برای همه جهان تحت رهبری ایالات متحده" و "در میان ملت‌های جهان، تنها امریکا است که هم ارزشهای اخلاقی و هم ابزار لازم برای پشتیبانی از نظم جهانی را داراست" (پرور، 1380، ص 61) که البته ادعایی بیش نیست و نهادها و موسسات شاخص در حوزه فرهنگ و مدیریت در سطح جهان به سهم خود و از طریق تدارک منابع

علمی به هدایت این جریان در مسیر صحیح و طبیعی کمک کرده‌اند (Anderson, 1994, p. 15)

امروزه فرایند جهانی شدن راه به سوی جامعه دانشگاهی مدار و مدیریت گرا می‌گشاید که در آن دانش و اطلاعات محور رشد و توسعه همه جانبه هر جامعه است (UNESCO, 2003, p. 104)

نمودار (1) فرایند جهانی شدن در عرصه مدیریت و فرهنگ



قابلیت و توانایی‌های مورد انتظار از مدیران

با توجه به تحولات وسیع جهانی در عصر جهانی شدن، نقش مدیران¹ در بسیاری از کشورها در سالهای اخیر دچار تغییر و تحول شده است و مورد تجدید نظر قرار گرفته است و دانشگاه‌های بزرگ دنیا و مراکز دولتی یا خصوصی، آموزش مدیران، برنامه‌های متنوع انطباق با عصر تغییر² و نیازهای حرفه‌ای³ آنها را تدارک دیده‌اند (Germain, 1999, p. 120) و توجه بیش از حد به این استلزامات باعث ارائه مدل‌های مختلف شده است از جمله جدول زیر که حاوی قابلیت‌ها و توانایی‌های مورد انتظار از مدیران هزاره سوم است.

تصمیم‌گیری ⁴	مؤلفه اول
ارتباط ⁵	مؤلفه دوم
رهبری ⁶	مؤلفه سوم
روابط انسانی ⁷	مؤلفه چهارم
شم سیاسی	مؤلفه پنجم
دیدگاه شخصی	مؤلفه ششم
شم سازمانی	مؤلفه هفتم

(Dupuis, 2002, p. 5)

ابعاد سیاسی و فرهنگی جهانی سازی

در بعد سیاسی نیز این مسئله مطرح است که جهانی سازی طرحی بود که سیاستمداران امریکایی پس از برهم خوردن تعادل جهان دو قطبی، برای ترویج فرهنگ و

-
- 1 . Manager Roles
 - 2 . Change age
 - 3 . professional Needs
 - 4 . Disicon making
 - 5 . Relationship
 - 6 . Leadership
 - 7 . Human Relation

اعمال حاکمیت یکپارچه بر اقصی نقاط دنیا اندیشیده بودند. آنها به دنبال ایجاد نظم ساختار و مدیریت جدیدی در جهان بودند که ناظم و ضامن اجرای آن قدرت و فرهنگ و نوع مدیریت امریکا می‌باشد. از این منظر، همگرایی¹ و همسان‌سازی تصمیمات² و رفتارهای بین‌المللی در تمامی حوزه‌ها باید با محوریت امریکا شکل بگیرد و این امر، به قیمت از بین رفتن یا محدود شدن استقلال³ و حق حاکمیت ملی کشورهای دیگر و نابودی فرهنگهای بومی و نظام‌های سیاسی منطقه‌ای باید انجام شود. جهانی‌سازی امریکایی کلاً با روح همکاری جهانی و مدیریت آن مغایرت دارد زیرا به جای برقراری مساوات⁴، همکاری⁵ و مشورت‌های منطقی و بین‌المللی، این استراتژی تنها به تشدید نابرابری‌های کنونی و سرانجام لطمه زدن به امنیت و ثبات جهانی و مدیریت عادلانه منجر خواهد شد. بنا به عقیده واترز⁶ در حالت طبیعی جهانی شدن منجر به تبادلات مادی، منطقه‌ای می‌شود و تبادلات سیاسی، بین‌المللی می‌شوند و تبادلات سمبلیک، جهانی می‌شوند. بنا بر این جهانی شدن جوامع انسانی بستگی به میزان تأثیرات ارتباطات فرهنگی بر ترتیبات اقتصادی و سیاسی دارد و حتی می‌توان انتظار داشت که میزان جهانی شدن در قلمرو مدیریتی و فرهنگی بیش از حیطه‌های دیگر باشد.

با اتخاذ رویکرد امریکا، در مقابل جهانی شدن که ظهور سیرطبیعی تکامل تعاملات بشری در عصر کنونی است، بایستی در پاسخ به سؤال مطرح شده در سطور قبل، بگوییم که این اختلاف و تفاوت یک امر عینی⁷ و واقعی است. ما امروزه شاهد هستیم که اختلاف‌های امریکا با متحدین راهبردی سابقش در زمان جنگ سرد و همچنین با قدرت‌های نظیر روسیه و چین در مسائل گوناگون در خصوص حاکمیت یکی از دو مفهوم جهانی شدن و جهانی‌سازی است. شکل‌گیری سازمان تجارت جهانی (WTO) به عنوان

-
- 1 . Convergence
 - 2 . Determinations
 - 3 . Independence
 - 4 . Justic
 - 5 . Cooperation
 - 6 . Waters
 - 7 . Concrete

سمبل همبستگی اقتصادی عصر جهانی شدن، نمونه گویایی از تفاوت¹ این دو مفهوم است. اگر در چگونگی شکل‌گیری رژیم تجاری که بعد از انجام مذاکرات² دور اورگوئه به وقوع پیوست، دقت نماییم؛ متوجه می‌شویم که تفاوت‌های اساسی با نظام حاکم قبلی و راهبرد جهانی‌سازی امریکا دارد. در این نهاد بین‌المللی همه دولت‌ها دارای حق رأی واحدی هستند و عملاً زمینه برتری و سلطه‌طلبی یک بازیگر یا گروهی از بازیگران بر سایرین گرفته شده است.

مواردی از قبیل مقاومت فرهنگی کشورهای اروپایی در قبال تحمیل فرهنگی ارزش‌های امریکای مخالفت یک صدای جهانی در مقابل طرح‌های امریکا و تجاوز این کشور به عراق و کنار گذاشتن این کشور از کمیسیون مهمی نظیر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل حاکی از زنده بودن و میل به ادامه حیات اقوام مختلف با ذائقه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی است و این وقایع بیانگر تنازع فرایند جهانی شدن با پروژه جهانی‌سازی در عرصه عمل است که جهت آن را می‌توان به چیرگی این فرایند بر این پروژه ارزیابی کرد.

با عنایت به تأیید بعد اجتماعی و فرهنگی جهانی شدن (Comeliau, 2002, p.33) و تحولات اجتماعی فرهنگی و مدیریتی ناشی از تأثیر جهانی شدن بر اجتماع، فرهنگ و ساختارهای سازمانی طبیعی است بین جهانی شدن و انقلاب سازمانی نیز نسبتی برقرار شود که یکی از شفاف‌ترین این نسبت‌ها، جهانی شدن مدیریت نوین است (Burbules & Torres, 2000, p. 28).

از طرفی نیز عقیده بر این است که تا زمانی که صحنه نظام عقیدتی، مدیریتی و ارزشی جامعه جهانی با تار و پود مدارا و روانی‌سازی³ و صلح⁴ و امنیت و بیداری و وجدان جهانی⁵ بر آوردن متقابل نیازها⁶ گرایش به همزیستی¹، احترام به حقوق بشر²،

1 . Difference

2 .Negotiation

3 . Tolerance

4 . Peace

5 World Conscience

6 . Mutual Needs Meeting

طبیعت پذیری، بهره داشتن از شعور عاطفی و برخورداری از اخلاق جهانی، تنیده نشود شعال انسجام جامعه بشری در قالب جامعه جهانی³ شعاری است که تبدیل آن به واقعیت بعید به نظر می‌رسد. (Wood, 2000, p. 17).

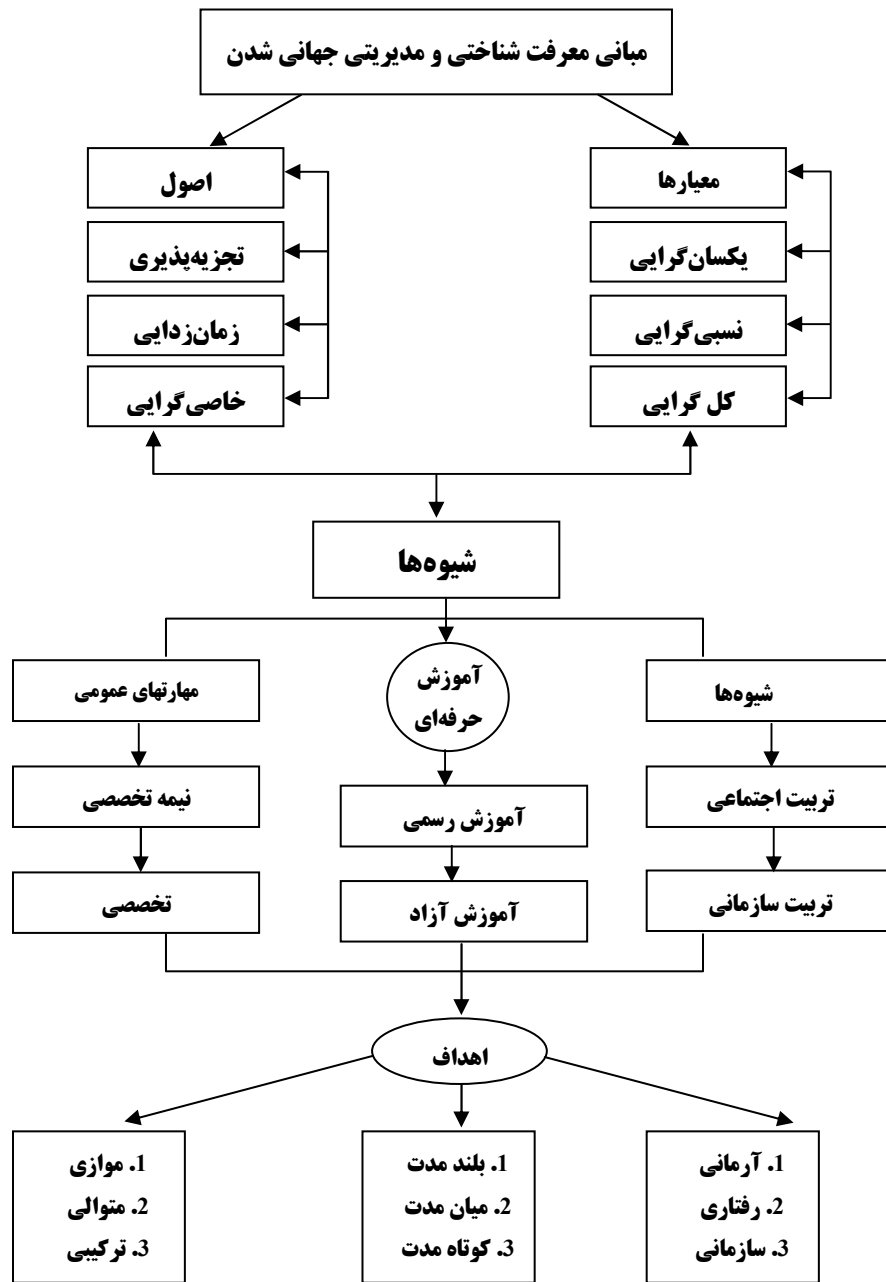
یکسان سازی و یکپارچه سازی فرهنگی و مدیریتی

تعارض موجود میان جهانی شدن و جهانی سازی در حوزه فرهنگ و مدیریت با این سؤالات روبرو می‌شود که آیا وضعیت جدید باعث ادغام فرهنگ‌ها در یکدیگر خواهد شد؟ آیا جهان به سمت وجود یک فرهنگ مشترک و مدیریت مشابه می‌رود؟ و آیا سنت‌های بومی و محلی دیگر به فراموشی سپرده خواهد شد؟ و یا، در کنار فرهنگ‌های ملی و بومی، شاهد به وجود آوردن ارزش‌های جدید خواهیم بود؟ در همین زمینه هلد در کتاب دموکراسی و مدیریت نظم جهانی اعتقاد دارد که با داشتن نگاه آسیب شناختی جهانی سازی، این پدیده حرکت به سمت نوعی دموکراسی جهانی شده است. (Helld, 2002, p. 8)

جهت روشنتر شدن بحث تأثیر شناخت چالش‌های فرهنگی و مدیریتی جهانی شدن سازمانهای هزاره سوم ترسیم شده است: (Robertson, 1999, p. 87)

-
- 1 . Symboisis
 - 2 . Human Rights
 - 3 . World ethice

نمودار (2) چالشهای فرهنگی و مدیریتی در عرصه جهانی شدن



از طرفی در سالیان اخیر شاهد بروز و گسترش دامنه تفکری در سطح جهان هستیم که می‌خواهد ارزش‌های خود را در قالب فرهنگ برتر بر سایر جوامع تحمیل نماید و دیگران را به تبعیت مطلق از الگوهای خود وادار نماید. انقلاب ارتباطات و گسترش فن‌آوری رسانه‌ای ابزار مهم و اصلی این جریان می‌باشد که به سبب اهمیت آن در حوزه فرهنگ، مختصری به آن اشاره می‌شود.

بر اثر انقلاب ارتباطات، تأثیرات شگفت‌انگیز فرهنگی و مدیریتی به وجود آمده و هویت‌ها و همبستگی‌های جدیدی در حال شکل‌گیری است که ریشه بسیاری از آنها در همین رویداد جدید اطلاعاتی است. پیشرفت حیرت‌انگیز و اعجاب‌آور وسایل ارتباط جمعی و به وجود آمدن فناوری جدید و مدرن نظیر اینترنت، عملاً جهان کنونی را به مجموعه‌ای در هم تنیده و دارای وابستگی شدید، تبدیل کرده است. این تأثیرگذاری شدید و عجیب به حدی است که عده‌ای از نظریه‌پردازان در مقابلب نماد ساختار قبلی که «دیوار» بود، از «شبکه وب جهانی» به عنوان نماد ساختار فعلی یاد کرده و قایل‌اند «ما از یک نظام ساخته شده پیرامون دیوارها به نظام ساخته شده پیرامون شبکه‌ها تغییر مکان داده‌ایم. همگرایی موجود در نظام جهانی بی‌شک محصول فن‌آوری‌هایی نظیر رایانه‌ای شدن، دیجیتالی کردن، ماهواره و اینترنت است.» (فریدمن، 1381، ص 6).

به نظر مایکل تانزر جهانی شدن پیامد یک انقلاب تکنولوژیک است که همزمان با رایانه‌ای کردن امور ارتباطات راه دور و حمل و نقل سریع مشاهده می‌شود. (فریدمن، 1381، ص 7).

بی‌تردید اگر ارتباطات بین‌المللی و جهانی را مهمترین عامل سرعت بخشیدن به فرایند جهانی شدن بدانیم، اغراق نکرده‌ایم. در حقیقت مفهوم «دهکده جهانی» نیز بدون در نظر گرفتن نقش رسانه‌ها مفهومی خیالی و دور از واقعیت خواهد بود. مک لوهان نخستین کسی بود که 30 سال پیش، از این واقعیت پرده برداشت. به گفته وی: «ما امروز موفق شده‌ایم تا دامنه سیستم عصب مرکزی خود را به یک بستر جهانی گسترش بخشیم سیستمی که مفاهیم اصلی سیاره ما را به زمان و مکان از پیش پای خود برمی‌دارد. بر این اساس، امروزه دیگر کره زمین چیزی جز یک دهکده نیست.» (تافلر، 1376، ص 107) بی‌تردید گسترش ارتباطات در جهان به کوچک شدن مکان و کوتاه شدن زمان انجامیده است.

رسانه‌ها به عنوان عامل اصلی در گسترش جهانی شدن، با ایجاد این سلسله‌های عصبی، بر این مدعا تأکید می‌کنند. شکسته شدن مرزها و به حاشیه راندن اختلاف و بعد در زمان و مکان، سبب شده افراد بتوانند در هر زمان به طور مستقیم با هر نقطه دیگری در روی زمین ارتباط برقرار نمایند. (Helied , 2002, p.8)

رسانه دیگر ابزار سیاسی با غراض و اهداف محدود ملی نیست بلکه مقوله‌ای است که به تعبیر پیتر داگلرن مجموعه‌ای از مفاهیم را عرضه می‌کند که تماماً «رسانه‌ای» شده‌اند. وی در کتاب تلویزیون و فضای عمومی نشان می‌دهد که تلویزیون، سینما، ویدئو و ... ابزارهای ساده مکانیکی نیستند بلکه یک نگرش‌اند که از ارزش‌های فرهنگی خاص سرچشمه می‌گیرند. لذا به زعم وی «شهروند، دموکراسی، آزادی» همگی مفاهیمی هستند که تنها توسط رسانه‌ها منتقل نمی‌شوند، بلکه «رسانه‌ای» شده‌اند و لذا درک مفاهیم بدون حضور فعال و مؤثر رسانه میسر نیست. به همین سبب است که وی حوزه عمومی را بنا به تعریف با رسانه مرتبط می‌سازد و بر این باور است که رسانه در بطن حوزه عمومی نهفته است. (شکرخواه، 1380، ص 112).

در واقع، انسان قرن بیست و یکمی خود را غرق در رسانه می‌بیند و فلسفه‌ای تازه پدید می‌آید که نمی‌توان آن را در قالب الفاظ پیشین بیان داشت. افرادی مانند «سینیتافری» و «توماس وارتن برگ» به بازسازی فلسفه رسانه می‌پردازند و با تحلیل رسانه و محصولات رسانه‌ای در قرن بیست و یکم و با استناد به اندیشه افراد بزرگی چون اسپایک لی از ظهور فلسفه جهانی سخن می‌گویند که مرز شکن است و مخاطبان آن همه مردمان در هر گوشه و کناری از این «جهان کوچک شده» هستند. (شکرخواه، 1380، ص 113).

«امانوئل کاستلز» استاد اسپانیایی که در دانشگاه برکلی کالیفرنیا تدریس می‌کند، در کتاب سه جلدی ارزشمند اخیر خود، اصطلاح «جامعه شبکه‌ای» را مطرح می‌کند که به اعتقاد وی: «جامعه شبکه‌ای محصول همگرایی سه فرایند تاریخی مستقل است، این سه فرایند عبارتند از: انقلاب اطلاعات که ظهور جامعه شبکه‌ای را امکان‌پذیر ساخت. تجدید ساختار سرمایه‌داری و اقتصاد متکی بر برنامه‌ریزی متمرکز از دهه 1980 به این سو با هدف غلبه بر تعارض‌های درونی این دو نظام و نهضت‌های فرهنگی دهه 1960 و

دنباله‌های آن در دهه 1970، یعنی نهضت‌های جنبش‌هایی مانند فمینیسم و طرفداری از محیط زیست. (کاستلر، 1380، ص 382)

سرعت بالای تحولات فرهنگی به نحوی است که بعضی از روشنفکران و دانشمندان را بر آن داشته تا اظهار بدارند «جهانی شدن با استفاده از انقلاب فن‌آوری باعث انقلاب معرفتی و شناخت شناسانه گذر از مدرنیسم و مقوله جامعه نو، انسان و مدیریت‌های نو به پست شده است.» (رجائی، 1380، ص 55)

در فرهنگ در حال جهانی شدن امروز مفاهیم و موضوع‌ها مبهم و غیرقطعی است. ابهام و عدم قطعیت جانشین احکام عقلایی شده و مسأله هویت به مسأله محوری برای افراد و گروه‌های اجتماعی بدل شده است. و حتی سازمانها را به سرعت از مرحله مدرن به پست مدرن کشانیده است. (کاظمی، 1380، ص 82) امروزه تحولات فناوری و ماهواره‌ای به عمده‌ترین وسایل ارتباط جمعی در زمینه انتقال فرهنگی و ایجاد ارزش‌ها و تعاملات مشترک تبدیل شده‌اند و سازمان‌ها و مدیریت‌های معاصر را تحت الشعاع قرار داده است و اصول زمانی زدایی (فرازمانی) و مکان‌زدایی (فرامکان) را بعنوان اصول مسلم سازمانهای جدید عرضه داشته است. (Robertson, 1998, p.10).

این فناوریها دامنه وسیعی از مزیت‌ها و خدمات سازمانی و مدیریتی را به ارمغان آورده است که شامل خدمات اینترنت¹، وب²، پست الکترونیکی³، کلاس‌های مجازی⁴، سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری⁵ و هوش مصنوعی⁶ و ده‌ها نوع خدمات دیگری که می‌تواند به نظامهای مدیریتی یاری رساند تا با به کارگیری آنها بتواند به صورت کارآمدتر پاسخگوی انتظارات و خواسته‌های داخلی و خارجی باشند (Maharanis, 2002, p.38).

1 . Internet

2 . Web

3 . E – Mail

4 . Virtual Class

5 . Decision Support system

6 . Artificial intelligent

در مقابل، جهانی شدن فرهنگ نه بر از بین بردن ارزش‌ها¹ و فرهنگ‌های بومی² و سنتی³ بلکه بر ایجاد و گسترش ارزش‌های مشترک انسانی اشاره دارد. نمونه‌های این ارزش‌های مشترک پذیرش مفاهیم⁴ حقوق بشر، مقابله با خشونت سازمان‌یافته دولتی، مقابله با آلودگی⁵ محیط زیست و حمایت از قلمرو فرهنگی جوامع ملی می‌باشد. این ارزش‌ها مشترک متفاوت از تحمیل⁶ فرهنگی است که حتی عادات⁷ و رسوم جزئی اقوام را مورد استحاله قرار می‌دهد. امروزه یک خیزش فرهنگی در سطح جهان و با استفاده از سازمان‌های بین‌المللی نظیر سازمان ملل متحد در تصویب طرح‌هایی در مقابله با خواست‌ها و تحمیل جهانی‌سازی فرهنگ صورت می‌گیرد. گردهمایی‌های مربوط به ادیان⁸ مختلف در رابطه با تعریف ارزش‌های مشترک، نظیر نشست آغازین هزاره سوم در سازمان ملل متحد نیز از جمله این حرکت‌ها است.

در کنار نمونه‌های فوق، واقعیت این است که بسیاری از دانشمندان علوم سیاسی و سایر علوم نیز بر جهانی شدن فرهنگ، تأکید دارند. فدرستون⁹ با جعل اصطلاح «فرهنگ سوم»¹⁰ به خلق ارزش‌های مشترک، سوای ارزش‌های فرهنگی ملی و سنتی، اشاره می‌نماید و معتقد است «این فرهنگ‌ها فرصت‌هایی برای وفاداری‌های جدید ایجاد می‌کند که لزوماً همراه با نابودی وفاداری قدیمی نیست» (قریب، 1380، ص 56) رابرتسون بر لزوم برداشتی چند بعدی و کثرت‌گرا از نظام جهانی تأکید دارد که هویت‌های فرهنگی متعدد محلی، ملی و ... عناصر تشکیل دهنده آن هستند. (رابرتسون، 1380، ص 152)

این مقاله نشان می‌دهد که در مقابل پروژه یکسان‌سازی، جریان و فرایند تکثر و تنوع نیز حضور جدی و تأثیرگذاری در عرصه روابط بین‌الملل دارد که گفتمان یکسان‌سازی و

-
- 1 . Values
 - 2 . Indigenous Culture
 - 3 . Traditional
 - 4 . Concepts
 - 5 . Pollution
 - 6 . Coercion
 - 7 . Habits
 - 8 . Religions
 - 9 . Federeston
 - 10 . Terd culture

یکپارچه سازی و فرهنگی را به چالش می کشد. حتی فردی نظیر فوکویاما که لیبرالیسم راپایان تاریخ می داند نیز معتقد است که "جوامع علیرغم همکاری های اقتصادی، خصوصیات فردی خود را حفظ می کنند. هر چند فرایند جهانی شدن در بعضی زمینه ها همگرایی ایجاد کرده است اما عناصر عمیق تری در فرهنگ کشورها وجود دارد که همگرایی در آنها به آسانی به وجود نمی آید. (فوکویاما، 1379، ص 10)

شاید بزرگترین اشتباه جهانی سازان در این باشد که تصور کنند به دلیل پیشرفت وسایل ارتباطی - که به صورت عمده مرهون پیشرفت های علمی امریکاست - می توانند مدعی یکسان سازی جهان باشند، در حالی که پیشرفت وسایل ارتباطی این همانی با یکپارچه سازی جهانی ندارد که این تلقی، نوعی ساده سازی افراطی است. می توان از تکنولوژی پیشرفته استفاده نمود ولی هویت ملی، قومی و مذهبی جوامع را انکار نکرد و کارکرد ویژه آنها نیز اذعان داشت.

نتیجه گیری و پیشنهادها

در یک تحلیل نهایی باید گفت، جهانی شدن با پیشرفت وسایل مدرن ارتباطی که به کوچک شدن جهان انجامیده است، در عین وجود تهدیدهایی برای فرهنگ های ملی و سنتی، این فرصت را نیز به آنها داده است تا بتوانند ارزش های خود را در نظارگاه دیگران قرار بدهند تا به یکت عامل سازنده به افق های جدیدی برسند و به تکامل خود ادامه دهند. جهانی شدن فرهنگی و مدیریتی میدان تبادل است که آن دسته از فرهنگ ها و ارزش ها باقی خواهند ماند که بیشتر بر مدار فطرت و سرشت پاک انسانی بنا نهاده شده است و توانسته باشند و سازمانهایی در آن از مقبولیت و مشروعیت برخوردارند که بر مبنای روابط انسانی صحیح نهاد شده و توانسته باشد خود را با تحولات جدید همراه سازند. جهان به عنوان یک مجموعه و کلیت واحد متضمن هویت یکپارچه ای نیست بلکه به تعبیر پردوواتس وضعیت جهانی کنونی "کلیتی از پاره پاره ها است. در این کلیت پاره پاره، غلبه و ادامه حیات متعلق به فرهنگ پایدار و اصیل است." (مردانی گیوی،

1380، ص 41)

در مجموع به نظر می‌رسد دلیرغم دشواری‌های موجود، اراده جمعی کشورها بر ادامه پروسه "جهانی شدن" است و شواهد مورد ارائه نیز موید این موضوع است. به همین دلیل مناسب است کشورهای نظیر کشور ما، با فهم واقعیت‌های جهانی کنونی و گرایش‌های موجود و متناقض آن و اجرای مدیریت نو و به روز در عرصه دیپلماتیک، حرکت جهانی شدن در حوزه‌های مختلف را تسریع بخشیده و در مقابله جریان جهانی سازی مقاومت نمایند.

بهترین راهکار تحقق این ایده نیز، تلاش بر اصلاحات جدی در سطح پیکره مجامع و سازمان‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان (از طریق راه‌اندازی و شرکت فعال در اتحادیه‌های گوناگون سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جهان (از طریق راه‌اندازی و شرکت فعال در اتحادیه‌های منطقه‌ای و هم پیمانی با کشورهای دارای منافع هم سو) برای استقرار عدالت نسبی در فرایندهای تصمیم‌گیری آنان است. زیرا هیچ حرکت و فرایندی حتی در سطح داخلی و با شعاع کمتر از آن نیز توان بقاء و ادامه حرکت و تکامل، بدون توجه به عنصر اساسی عدالت ندارد و بدون تأمین حداقلی آن، جهانی آرام و بدون تنش نخواهیم داشت.

هم چنین جهانی شدن، در ادامه حرکت خود، باید به سمت ایجاد حکومت‌های بین‌المللی جدید متناسب با کارکردهای نو در حوزه‌های مختلف سیر نماید، زیرا ساختار بین‌المللی کنونی، به جز در برخی بخش‌ها، متناسب با فضای جنگ سرد بنا شده است و کفاف وضعیت فعلی را نمی‌دهد (Pollard, 2003, p. 55) به طور مثال، مسأله تروریسم از مصادیقی است که نیاز به باز تعریف دارد زیرا تروریسم و مبارزه با آن امروز به صورت یک شعار جدی و در حقیقت نیاز عملی همه کشورها می‌باشد و باید طی اجلاس جهانی، مصادیق مورد قبول اکثر ملل در قالب بیانیه‌ای مکتوب شود تا هیچ کشوری تنها با توسل به قوه قهریه، تفسیر خاص و تبعیض آمیز خود از تروریسم را به جهانیان دیکته نکند.

در صورت انجام چنین اقداماتی، جهانی شدن دارای افق‌های روشنی در حوزه‌های درگیر خواهد شد و با پدیدار شدن فضای چند قطبی در قالب اتحادیه‌ها و کنوانسیون‌های جدید، خطر جهانی سازی تا حد زیادی از بین خواهد رفت.

منابع و مأخذ:

1. بهکش، محمد مهدی 1380 اقتصاد ایران در بستر جهانی شدن. تهران: نشر نی.
2. پالتز، دیویدل، 1380 ارتباطات سیاسی در عمل. ترجمه مهدی شفقتی. تهران: انتشارات سروش.
3. پرور، اسماعیل 1380 جهانی شدن یا حکومت جهانی (مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیما)
4. تافلر، آلین 1376 موج سوم. ترجمه شهیندخت خوارزمی تهران، نشر نی
5. دهشیار، حسین 1379، «جهانی شدن، تکامل فرایند ارزشها و نهادهای غربی». مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال چهاردهم شهماره 157 - 158، ص 35.
6. رابرتسون، رونالد 1380 جهانی شدن تئوریهای اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران، نشر ثالث.
7. رجائی، فرهنگی 1380 پدیده جهانی شدن. ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران: نشر آگاه.
8. روزنام، جیمز 1378 "پیچیدگی و تناقضهای جهانی شدن". فصلنامه سیاست خارجی، سال دوازدهم، شماره 4، ص 10.
9. سیف زاده، حسین 1379 "آثار جهانی شدن بر گزینههای استراتژیک ایران" فصلنامه راهبرد، شماره 18، ص 248
10. سیف، احمد 1380 جهانی کردن فقر و فلاکت. تهران: انتشارات آگاه.
11. شکرخواه، یونس، 1380 "جهانی سازی، رسانه‌های و چالش‌ها" فصلنامه پژوهش و سنجش، سال هشتم، شماره 25، ص 112
12. فریدمن، توماس 1381 "اتفاقاً جهانی شدن یک موج زودگذر نیست". روزنامه جام جم.
13. فوکویاما، فرانسیس 1379 فرهنگ جهانی. روزنامه همبستگی، ص 10
14. قریب، حسین 1380 «جهانی شدن و چالش‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران». مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره 167-168، ص 56.
15. کاستلز، امانوئل 1380 عصر ارتباطات: ظهور جامعه شبکه‌ای. ترجمه احمد علیقلیان و افشین خاکباز. تهران: طرح نو
16. کاظمی، علی اصغر 1380 جهانی شدن فرهنگ و سیاست: نقد و تحلیل نظری و معرفت شناختی تهران: نشر قومس
17. مردانی گیوی، اسماعیل 1380 «جهانی شدن: نظریه‌ها و رویکردها». مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره 168 - 167، ص 41.
18. Anderson, c. c Nicklas, S. and Crawford (1994) "*Global Understanding: A framework for teaching and learning*". Ased. Alexandria, VA.

19. Andrezefewski, J and Alesso. J (2003) *Education for global Citizenship and Social Responsibility*, college of Education and social services University of Vermont
20. Burbules. Nicholas. C and Torres. C. (2000) *Globalization and education: an Introduction Rotledge* [http// Faculty Ed. Uiuc. End / burbules / ncb/ pupers/ global](http:// Faculty Ed. Uiuc. End / burbules / ncb/ pupers/ global)
21. Christopher A. Bartlett And sumantra Ghoshal, (1989) *Managing Across Borders: (New York: Harper 8. Row)*
22. Clake, p. (1994) *Citizen ship a Reader*. London: Pluto Press.
23. Comeliau. C (2002) *The challenge of Globalization*. Prospects. Vol. xxxvll. No. 1. London.
24. Dupuis, P (2002) *Globalization – som definitions*, [http// www. Infed. Org; biblio/ difining. Globalization and culture plity press Cambridge .](http:// www. Infed. Org; biblio/ difining. Globalization and culture plity press Cambridge .)
25. Germain, M. (1999) *Picturing Your Perfect Principal Albany: State University of New york Press*.
26. Helld, Daviad (2002) *Law of states, Law of people: three models of sovereignty, legal beory 7*
27. M, Mead "*Culture, Patterns and technical change*" (Paris: UNSCO).
28. Magdoff Harry (1999) *Globalization to what End? Et al Monthly Review press, New York,*
29. Maharanis. L. (2000) "*information Communication technology in distance education in India Weekly*". *Journal of university news* Vol 40 no 19
30. Malcolm Waters (1995) "*Globalization*", London: Routledge
31. Okland . Js (1995) *Business process Re – engineering "proceedings of the 1st word Congress for TQM"*. Chapman & Hall, UK
32. Parakash, seem A. and Hart, Jeffrey (6000) A., *Coming With Globalization* New York: Routlage.
33. Pollard Andrew & other (2003) . *Reflective Te ching (Effective and Evidence – Informed professional Practice)*, Continuum, London. New York. [http: // WWW. Rtweb. Info](http:// WWW. Rtweb. Info)
34. Robertson (1998) "*Globalization: theory and Global culture*" [www: Crossroad. To. / Books](http:// www: Crossroad. To. / Books).
35. Robertson. R. (1999) "*Globalization, Modernization, and post modernization*": the ambiguous positions of Religion in: Roberttson and W.R. Garrett Cods), Religion York Paragon House and Global Order. New York.
36. Schiller, Herberts (1997). "*Information and Crisis Economy oxford*" University Press.
37. Wood, barry D. (2002) "*The globalization question*", Europe., Dee. Available on: ([www, wacsf. Org/ library/ readings/ bib](http:// www, wacsf. Org/ library/ readings/ bib))